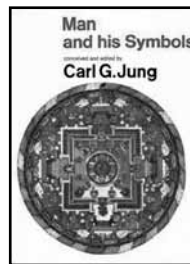


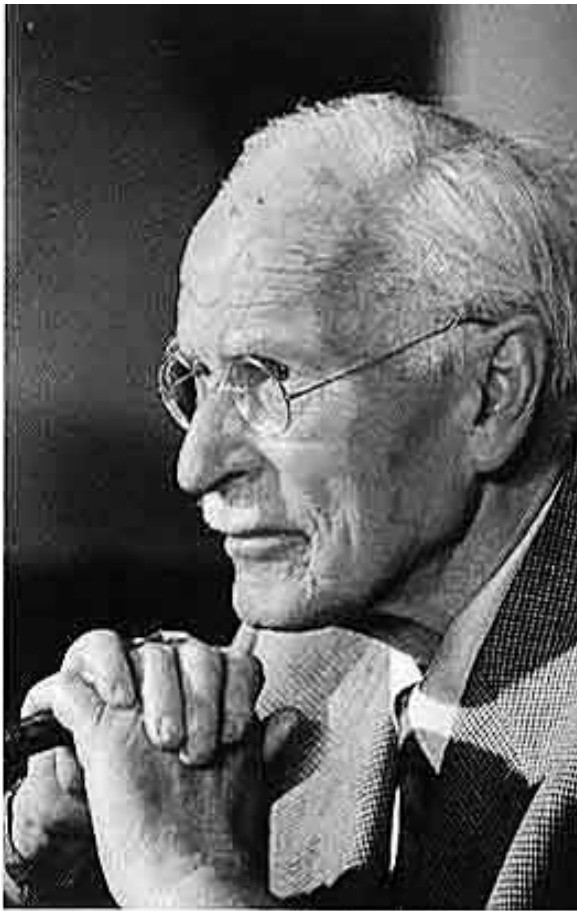
انسان

سمبول‌هايش

منیژه اسدی



نام کتاب: انسان و سمبول‌هايش
 نام نویسنده: کارل گوستاو یونگ
 نام مترجم: محمود سلطانیه
 نوبت چاپ: دوم، ۱۳۷۸، نشر جامی



کتابی در این زمینه به زبان ساده به فکرش راه یافت. از این رو با وساطت فریمن، از یونگ خواست کتابی در زمینه‌ی روان ناخودآگاه تدوین کند که افراد غیرمتخصص هم توانایی استفاده از آن را داشته باشند.

این درخواست از طریق آقای فریمن به پروفیسور یونگ ابلاغ شد و سرانجام پس از مدتها بحث و تبادل نظر، یونگ به صورت مشروط، پیشنهاد مذکور را پذیرفت.

شرط یونگ این بود که چند تن از همفکران وی در این کتاب حضور پیدا کنند و به اصطلاح، هر یک گوشه‌ای از کار را بگیرند، چون تدوین یک کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای به تنهایی از عهده‌ی خودش برنمی‌آمد.

سرانجام کتاب «انسان و سمبول‌هايش» با مشارکت همفکران یونگ و با نظارت وی تألیف شد. همکاران یونگ عبارت بودند از:

۱. دکتر ماری لویز فن فرانتس: وی اهل زوریخ بود و نزدیک‌ترین دوست و محرم اسرار او به شمار می‌آمد. مقاله‌ی «فرآیند فردیت» که در کتاب آمده از آن اوست.

۲. دکتر جوزف هندرسون، از برجسته‌ترین و مطمئن‌ترین پیروان آمریکایی نظریات یونگ. مقاله‌ی «اساطیر باستانی و انسان امروز» که در کتاب آمده از آن اوست.

۳. آنی لا یافه، همشهری و منشی مخصوص یونگ نفر سوم بود

این کتاب، نسبت به سایر آثار یونگ از انشای ساده‌تری برخوردار است. البته معنای این گفته، چنین نیست که بتوان بی‌هیچ تمهیدی پا به فضای آن گذاشت و با دستی پر، از آن بیرون آمد. انسان و سمبول‌هايش ما را به یاد کتاب‌های اسحاق آسیموف می‌اندازد. از آن جهت که آسیموف، که دانشمندی بی‌منازع می‌نمود، سعی می‌کرد مطالب سخت علمی را برای «عموم» آن چنان بنویسد که قدرت استفاده از آن را داشته باشند. با این همه جذب و درک کتاب یونگ برای عموم چندان هم آسان به نظر نمی‌رسد. هر چند یونگ به همین قصد آن را تدوین کرده است.

ناگفته نماند که مقدمات فراهم آمدن این کتاب، تابع یک رشته اتفاقات به هم پیوسته و جالب بوده که در این جا آن‌ها را با هم مرور می‌کنیم: در بهار ۱۹۵۹، بی‌بی‌سی (رادیو تلویزیون دولتی بریتانیا) شخصی به نام فریمنرا مأمور می‌سازد که به سوئیس برود و در شهر زوریخ، با یونگ گفت‌وگویی انجام دهد. این گفت‌وگو بسیار خوب از آب درمی‌آید و هنگامی که پخش می‌شود بسیاری از مردم عادی هم‌پای آن می‌نشینند و به فراخور حال خود، بهره‌هایی از آن می‌برند. علت موفقیت این گفت‌وگو، بیشتر از آن جهت بود که یونگ توانسته بود مفاهیم سنگین علمی را به زبان ساده برای آقای فریمن (خبرنگار) توضیح دهد. یکی از مخاطبان این گفت‌وگو، آقای فوکس، مدیر «انتشارات آلدوس» بود که با شنیدن این گفت‌وگو اندیشه‌ی تألیف

که از نظر یونگ وی روانکاو با تجربه به شمار می‌آید. «یافه» بعدها زندگی‌نامه‌ی یونگ را به رشته‌ی تحریر درآورد. مقاله‌ی «نمادگرایی در هنرهای تجسمی» که در کتاب آمده از اوست.

۴. دکتر یالانده یا کوبی، که پس از یونگ با تجربه‌ترین روانکاو در زوریخ بود؛ مقاله‌ی «نمادهای درونی» را نوشت.

این را هم بیفزاییم که مقاله‌ی نخست کتاب یا مقاله‌ی اصلی آن، به نام «انسان و سمبول‌هایش» که در واقع از چند مقاله‌ی فرعی دیگر تشکیل شده است، به قلم خود یونگ نوشته شد که نقطه‌ی است و سایر مقالات را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

علت گزینش این چهار نفر، هم از لحاظ بصیرت و تجربه‌ی آن‌ها در موضوعات ویژه‌ی بود که برعهده داشتند و هم از آن جهت بود که همگی آن‌ها مطمئن‌ترین افراد نزد یونگ بودند. و لذا توانستند به گونه‌ی متواضعانه و راسخانه، بیان‌کننده‌ی آرا و عقاید یونگ در نگارش مطالب این کتاب باشند

سمبول یا نشانه‌شناسی

این کتاب از معدود کتاب‌های ارزشمند معاصر است که بنای آن بر شناخت «ناخودآگاه» انسان است. از نظر یونگ، «نشانه‌شناسی» یا شناخت سمبول‌ها، از جمله ابزار است که می‌تواند «درمانگر» را یاری دهد تا نقی به درون ناخودآگاه بزند و خود را از این رهگذر به اعماق ضمیر ناهشیار شخص برساند.

بدیهی است که ورود به «ناخودآگاه» صرفاً برای رفع کنجکاووی صورت نمی‌گیرد. آشنایی با ناخودآگاه، جهت اشراف بر آن صورت می‌گیرد و تنها از این راه است که می‌توان مسیر بهبودی بیمار را پیمود. آشنایی با ناخودآگاه، صرفاً برای درمان مسائلی نظیر آن انجام نمی‌گیرد. تحلیل تمام مسائلی که به نحوی به «انسان» مربوط می‌شود باید در ابتدا از همین مجرا بگذرد.

بی‌هیچ تردیدی نقد و تحلیل تمام مسائل هنری - از معماری گرفته تا موسیقی نیازمند ورود به عرصه‌ی ناخودآگاه است. با این که کتاب، چندین فصل دارد ولی تمام فصول در یک چیز مشترک‌اند و آن «نمادشناسی ناخودآگاه انسان» است.

یونگ در فصل نخستین کتاب، با مثال‌ها و دلایل متعدد، سعی کرده به مخاطب بقبولاند که اهمیت ناخودآگاه تا چه حدی است. یونگ که در ابتدا از شاگردان و پیروان فروید بود، پس از مدتی از او کناره گرفت و برای خود مکتب و پیروان جدیدی دست و پا کرد. تفاوت این استاد و شاگرد در نحوه‌ی تعبیر رویاها بود. فروید معتقد بود که رویاها حاصل نیازها و احتیاجات سرکوفته‌ی ماست. ولی یونگ علاوه بر پذیرش این اصل معتقد بود که در عین حال ما با رویاهایی مواجه می‌شویم که حاصل هیچ نیاز واپس‌زده‌ی نیست. بلکه پاره‌ی خاصی از رویاها، نتیجه‌ی درک حقیقتی پنهان توسط ضمیر ناخودآگاه است. از نظر یونگ، دریافت حقایق ماورایی، هیچ

ربطی به نیازهای سرکوفته‌ی ما ندارد. این حقایق، حکم اشراف دارد و در شرایط خاصی به فرد نشان داده می‌شود. البته اختلاف یونگ و فروید در چگونگی رویاها خلاصه نمی‌شود. دامنه‌ی اختلاف این دو بعدها به جاهای دیگر کشیده شد که از حوصله‌ی این مقال خارج است. اما حقیقت مطلب این است که کتاب یاد شده به نوعی، تشریح‌کننده‌ی همین ماجراست. در واقع یونگ با دلایل بسیار پیچیده به اثبات این مطلب می‌پردازد که تمام آن چیزی که در رویا می‌بینیم از ضمیر ناخودآگاه بر نمی‌خیزد، بلکه ضمیر ناهشیار، گاه می‌تواند به درک مسائلی نایل آید که باید سرچشمه‌ی آن را خارج از محدوده‌ی آن تلقی کنیم. یونگ معتقد به ضمیر ناخودآگاه جمعی بود که در واقع از نیاکان ما برایمان به ارث رسیده است.

یکی از خصوصیات بسیار جالب این کتاب، استفاده‌ی زیاد از عکس‌ها و تابلوهای قدیم و جدید است. توضیح نقاشی‌ها، مخاطب را دچار شگفتی می‌سازد. زیرا در ضمیر خود وجوه اشتراک فراوانی با آن چه که می‌بیند احساس می‌کند.

یونگ، هنر را انعکاس حالات درونی هنرمند می‌داند. وی معتقد است که مفهوم و معنای بسیاری از آثار هنری (به‌خصوص هنرهای تریسمی) حتی از دید خود هنرمند، پنهان مانده است که این به دلیل نشأت گرفتن این گونه «الهامات» از ضمیر ناخودآگاه اوست. یونگ، اولین روان‌شناسی است که واضح اصطلاح «درون‌گرایی» و «برون‌گرایی» است. او هنرمندان را در جری‌های درون‌گرایان قرار می‌دهد.

دکتر یالانده یا کوبی از همکاران وی در این کتاب می‌نویسد: «مملو بودن کتاب از نقاشی‌ها و تابلوهای عجیب و غریب، باید وزنه‌ی مثبت برای آن به شمار آید. چون نظر یونگ، نشان دادن الهاماتی بود که از ناخودآگاه سرچشمه می‌گرفت و در متن تابلوها تجلی می‌یافت، بدون آن که هنرمند، خود بر آن‌ها واقف باشد. بر همین اساس است که من به همه‌ی معلمان هنر، توصیه می‌کنم این کتاب را به دقت بخوانند تا بتوانند دانش‌آموزان خود را خوب بشناسند تا از عهده‌ی پرورش درست استعداد هنری آنان برآیند.» بی‌شک، اشراف ما بر ناخودآگاه، صرفاً چیزی نیست که به کار هنرمندان بیاید. بلکه مقوله‌ی است به مراتب وسیع‌تر از آن چه بتوان تصور نمود.

روان‌کاوان نیز برای تعبیر رویاهای مراجعین خود، نیازمند تفسیرهای عالمانه از پیام‌های ناخودآگاه‌اند. در روان‌کاوی، بدون کاوش «ناخودآگاه» به هیچ نتیجه‌ی قابل اعتمادی نمی‌توان رسید.

یونگ در سن ۸۶ سالگی دیده‌از جهان فروبست. در حالی که یکسال آخر عمر خود را وقف نوشتن این کتاب کرده بود. شعار یونگ همیشه این بود که: در «هستی» همیشه چیزهایی وجود دارد که ما همواره از آن‌ها بی‌اطلاع هستیم ... نمی‌دانیم اگر روزی آن‌ها برایمان واضح شوند، تا چه اندازه بدیهیات ما را دگرگون خواهند ساخت.

